



از معدن تا توکن؛
آیا کامودیتی‌ها وارد
عصر جدید تامین مالی
می‌شوند؟

کارشناس اقتصاد معدن
کیارش مهرانی

در جهان امروز، تامین مالی دیگر فقط از مسیر بانک، بورس، اوراق بدهی و قراردادهای سنتی عبور نمی‌کند. دیجیتالی شدن، هوش مصنوعی، بلاکچین و زیرساخت‌های دفترکل توزیع شده، در حال بازتعریف معماری بازارهای مالی‌اند. همان گونه که بازارها روزی از گواهی‌های کاغذی به دفاتر الکترونیکی متمرکز رسیدند، اکنون نیز در آستانه مرحله‌ای تازه قرار گرفته‌اند: مرحله‌ای که در آن دارایی‌ها می‌توانند به واحدهای دیجیتال، قابل انتقال، قابل برنامه‌ریزی و قابل راستی‌آزمایی تبدیل شوند. این تحول را در ادبیات مالی جدید، توکن‌سازی دارایی‌ها می‌نامند؛ مفهومی که به‌ویژه برای بازارهای کالایی و معدنی اهمیت ویژه‌ای دارد. توکن‌سازی یعنی تبدیل حقوق مالکیت، منافع اقتصادی، حق مطالبه، حق تحویل یا حق مشارکت در یک دارایی واقعی به توکن‌های دیجیتال بر بستر بلاکچین. این دارایی می‌تواند طلا، مس، سنگ‌آهن، گندله، فولاد، واحد صندوق اوراق بدهی یا حتی جریان درآمدی یک پروژه معدنی باشد. اما در بازار کامودیتی‌ها، اهمیت این مفهوم دوچندان است. بازارهای کالایی، به‌ویژه در حوزه فلزات و مواد معدنی، ذاتاً بزرگ، سرمایه‌بر، بین‌المللی، پیچیده و گاه غیرشفاف‌اند. مالکیت و معامله فیزیکی کالاهایی مانند مس، طلا، فولاد، گندله یا سنگ‌آهن معمولاً به سرمایه‌داران انبار معتبر، بیمه، حمل‌ونقل، کنترل کیفیت، قراردادهای حقوقی، مجوز صادرات و شبکه‌های تجاری بین‌المللی نیاز دارد. همین موانع باعث شده بخش بزرگی از سرمایه‌گذاران خرد و حتی متوسط، امکان ورود مستقیم به بازارهای کالایی را نداشته باشند.

توکن‌سازی تلاش می‌کند بخشی از این موانع را کاهش دهد؛ نه با حذف دارایی فیزیکی، بلکه با ایجاد لایه‌ای دیجیتال، حقوقی و اقتصادی بر روی آن. در این نگاه، توکن فقط یک کد یا نماد دیجیتال نیست؛ بلکه نماینده رابطه‌ای میان دارایی واقعی، سرمایه‌گذار، ناشر، امین، بیمه‌گر، پلتفرم معاملاتی و چارچوب حقوقی است. به همین دلیل ارزش یک توکن کالایی، نه فقط از فناوری بلاکچین، بلکه از کیفیت دارایی پایه، اعتبار ساختار حقوقی، امکان بازخرید، شفافیت ذخیره، بیمه، ضمانت و قابلیت اجرای حقوق دارندگان توکن ناشی می‌شود.

چرا توکنی سازی برای فلزات مهم است؟

فلزات، به‌ویژه فلزات راهبردی مانند مس، لیتیم، نیکل، کبالت و سنگ‌آهن، در قلب اقتصاد آینده قرار دارند. گذار انرژی، خودروهای برقی، شبکه‌های برق، انرژی‌های تجدیدپذیر، هوش مصنوعی، مراکز داده و زیرساخت‌های دیجیتال، همگی به مصرف گسترده فلزات وابسته‌اند. در چنین فضایی، تامین مالی پروژه‌های معدنی و فلزی نیاز به مدل‌های متنوع‌تر می‌شود. معدن کاری صنعتی معمولاً نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین، دوره بازگشت طولانی، ریسک عملیاتی، ریسک مجوز، ریسک قیمت جهانی، ریسک حمل‌ونقل و ریسک سیاسی کشور میزبان است. ابزارهای مالی سنتی همیشه پاسخگو این حجم از نیاز سرمایه‌نشدند. توکنی‌سازی می‌تواند به عنوان پلی میان بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران جهانی و دارایی‌های معدنی عمل کند؛ مشروط بر آنکه به‌درستی طراحی و قانونمند شود. این منظر نظری، توکنی‌سازی کامودیتی‌ها را بر چند نظریه استوار است: نخست، نظریه حقوق مالکیت؛ یعنی دارایی زمانی ارزش مالی شفاف پیدا می‌کند که مالکیت، حق مطالبه، حق انتقال و حق تحویل آن قابل تعریف و اثبات باشد. برای مثال، یک تن مس کاندی زمانی برای سرمایه‌گذار معنا دارد که معلوم باشد کجا تولید شده، چه کیفیتی دارد، چه نهادی آن را تأیید کرده، چه کسی مالک آن است و تحت چه شرایطی می‌توان آن را فروخت یا تحویل گرفت. دوم، نظریه کاهش هزینه مبادله است. در بازار سنتی کامودیتی‌ها، هزینه مبادله فقط قیمت کالاییست؛ بلکه شامل هزینه جست‌وجوی فروشنده، اعتبارسنجی، کنترل کیفیت، بیمه، انبارداری، حمل، تسویه، اسناد حقوقی و مدیریت ریسک طرف مقابل نیز می‌شود. بلاکچین می‌تواند بخشی از اطلاعات مالکیت، انتقال، وضعیت دارایی و حتی بازخرید را شفاف و قابل پیگیری کند. سوم، نظریه نقدشوندگی و خردسازي مالکیت است. خرید مستقیم محموله‌های بزرگ کمی، طلا یا سنگ‌آهن معمولاً برای سرمایه‌گذاران کوچک ممکن نیست. توکنی‌سازی با تقسیم دارایی به واحدهای کوچک‌تر، امکان مشارکت طیف وسیع‌تری از سرمایه‌گذاران را فراهم می‌کند. البته باید توجه داشت که خردسازي به تنهایی نقدشوندگی ایجاد نمی‌کند. نقدشوندگی واقعی زمانی شکل می‌گیرد که بازار ثانویه، بازار گران، اعتماد به ناشر، شفافیت ذخیره و امکان بازخرید وجود داشته باشد. چهارم، نظریه نمایندگی و ریسک‌آمین مطرح است. در توکنی‌سازی کامودیتی‌ها، دارندار نه توکن معمولاً خود دارایی فیزیکی را در اختیار ندارد. دارایی در معدن، بندر، انبار، خزانه یا نزد امین نگهداری می‌شود. بنابراین سرمایه‌گذار به ناشر، شرکت واسط، امین، بیمه‌گر، حسابرس و پلتفرم اعتماد می‌کند. هرچه این زنجیره شفاف‌تر و قابل حساسی‌تری باشد، اعتبار توکن بیشتر خواهد بود.

جمع‌بندی: توکن باید نماینده واقعیت باشد، نه جایگزین آن

توکنی‌سازی کامودیتی‌ها صرفاً یک نوآوری فناورانه نیست؛ بلکه تلاشی برای بازطراحی رابطه میان دارایی فیزیکی، مالکیت حقوقی، تامین مالی و بازارهای دیجیتال است. در این مدل، بلاکچین نقش دفتر ثبت شفاف، قرارداد هوشمند نقش موتور اجرای قواعد، SPV نقش طرف حقوقی، امین و بیمه نقش نگهبان دارایی و بازار ثانویه نقش ایجادکننده نقدشوندگی را بر عهده دارند. برای منافع فلزات، این تحول می‌تواند بسیار معنادار باشد. فلزاتی مانند مس، به‌دلیل نقش راهبردی در برق‌رسانی، انرژی‌های تجدیدپذیر، خودروهای برقی و زیرساخت دیجیتال، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به دارایی‌های واقعی توکنیز شده دارند. با این حال، شرط بنیادین موفقیت روشن است: توکن نباید جایگزین واقعیت شود؛ بلکه باید نماینده معتبر، شفاف و قابل هر قدر پیوند میان دارایی فیزیکی، حقوق مالکیت، قراردادهای قابل اجرا، بیمه، انبارداری، مجوزهای صادراتی و داده‌های درون‌زنجیره‌ای محکم‌تر باشد. توکنی‌سازی کامودیتی‌ها از یک روایت جذاب فناورانه فراتر می‌رود و به ابزاری جدی برای تامین مالی، سرمایه‌گذاری و شفاف‌سازی بازارهای فلزی تبدیل می‌شود.

چشم‌انداز سهام معدنی در روزهای سبز بورس را بررسی می‌کنند

بورس، آینه آینده صنایع معدنی



رشد دوباره بورس در هفته‌های اخیر، نگاه بسیاری از سرمایه‌گذاران را به سهام شرکت‌های معدنی و صنایع معدنی معطوف کرده است. این شرکت‌ها به دلیل سهم قابل توجه در ارزش بازار، نقش مهمی در روند شاخص کل بورس دارند و همواره از گزینش‌های اصلی سرمایه‌گذاری محسوب می‌شوند. کارشناسان معتقدند رونق بازار سرمایه می‌تواند علاوه بر افزایش ارزش سهام شرکت‌های معدنی، زمینه تامین مالی طرح‌های توسعه‌ای، جذب سرمایه و افزایش ظرفیت تولید را نیز فراهم کند. البته تداوم این روند به عواملی مانند ثبات سیاست‌های اقتصادی، وضعیت بازارهای جهانی، نرخ ارز و عملکرد عملیاتی شرکت‌ها وابسته است.

در چنین شرایطی، بررسی چشم‌انداز سهام معدنی و تأثیر رشد بورس بر آینده این صنعت، اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. **سما** در گفت‌وگو با کارشناسان بازار سرمایه، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی سهام معدنی را بررسی کرده است.

گروه معدن
editor@smtnews.ir

شرکت‌های معدنی از لیدرهای بازار هستند

با فروش محصولاتی حاصل می‌شود که قیمت آنها براساس بازارهای جهانی تعیین می‌شود. بنابراین هرگونه تغییر در قیمت سنگ‌آهن، مس، فولاد، آلومینیوم یا سایر فلزات اساسی می‌تواند سودآوری این شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. مقدم افزود: در کنار قیمت‌های جهانی، نرخ ارز نیز یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر ارزش سهام معدنی است. هرگونه تغییر در سیاست‌های ارزی یا افزایش درآمدهای صادراتی می‌تواند بر صورت‌های مالی این شرکت‌ها اثر مستقیم داشته باشد و همین مسئله باعث می‌شود فعالان بورس تحولات اقتصادی و سیاسی را با دقت دنبال کنند.

وی ادامه داد: در شرایطی که انتظارات نسبت به بهبود روابط اقتصادی یا افزایش صادرات شکل می‌گیرد، معمولاً سهام شرکت‌های صادرات‌محور از جمله معدنی‌ها با استقبال بیشتری روبه‌رو می‌شود؛ زیرا بازار آینده سودآوری آنها را مثبت ارزیابی می‌کند.

ورود نقدینگی؛ فرصت یا تهدید؟

این کارشناس بازار سرمایه درباره افزایش ورود سرمایه به بورس اظهار کرد: ورود نقدینگی اتفاق مثبتی است، اما به شرط آنکه بر پایه تحلیل و عوامل بنیادی باشد. اگر سرمایه‌ها صرفاً بر اساس هیجان وارد بازار شوند، احتمال شکل‌گیری نوسانات شدید نیز افزایش پیدا می‌کند.

وی افزود: شرکت‌های معدنی به دلیل پشتوانه دارایی، ظرفیت تولید و سودآوری، معمولاً در مقایسه با بسیاری از صنایع از ثبات بیشتری برخوردارند، اما این موضوع به معنای مصون بودن آنها از اصلاح قیمت نیست. سرمایه‌گذاران باید علاوه بر روند کلی بازار، وضعیت عملیاتی هر شرکت را نیز بررسی کنند.

مقدم تصریح کرد: بهترین شرایط زمانی ایجاد می‌شود که رشد قیمت سهام همزمان با افزایش تولید، توسعه پروژه‌ها، رشد صادرات و بهبود سودآوری شرکت‌ها باشد. در این صورت، بازار سرمایه نقش واقعی خود را در تأمین مالی تولید ایفا خواهد کرد.

وی با اشاره به نقش بازار سرمایه در توسعه پروژه‌های معدنی گفت: یکی از مهم‌ترین مزیت‌های بورس، امکان تامین مالی پروژه‌های بزرگ است. توسعه معادن، اجرای طرح‌های اکتشافی،

باقر مقدم، کارشناس بازار سرمایه، در ابتدای این گفت‌وگو با اشاره به رشد اخیر شاخص بورس و افزایش توجه سرمایه‌گذاران به صنایع بزرگ گفت: بازار سرمایه همواره نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی و چشم‌انداز سودآوری صنایع واکنش نشان می‌دهد. زمانی که انتظارات نسبت به بهبود شرایط اقتصادی، افزایش تولید یا گسترش صادرات شکل می‌گیرد، نخستین گروه‌هایی که مورد توجه فعالان بازار قرار می‌گیرند، شرکت‌های بزرگ و بنیادی هستند و در این میان، شرکت‌های معدنی و صنایع معدنی جایگاه ویژه‌ای دارند.

وی افزود: بخش معدن به دلیل سهم بالای خود در ارزش بازار بورس، درآمدهای صادراتی و ارتباط مستقیم با صنایع مادر، یکی از مهم‌ترین پیشران‌های بازار سرمایه محسوب می‌شود. به همین دلیل، هرگونه افزایش تقاضا در بورس معمولاً خود را در معاملات سهام شرکت‌های معدنی نیز نشان می‌دهد و این موضوع می‌تواند به تقویت ارزش بازار این شرکت‌ها منجر شود.

مقدم درباره علت اثرگذاری سهام معدنی بر روند بورس اظهار کرد: شرکت‌های فعال در حوزه سنگ‌آهن، فولاد، مس، روی و سایر صنایع معدنی بخش قابل توجهی از ارزش بازار را در اختیار دارند. این شرکت‌ها معمولاً از سودآوری پایدار، دارایی‌های ارزشمند و ظرفیت صادراتی مناسب برخوردار هستند و به همین دلیل سرمایه‌گذاران در دوره‌های رونق بازار توجه ویژه‌ای به آنها دارند.

وی ادامه داد: زمانی که شاخص بورس وارد روند صعودی می‌شود، نقدینگی ابتدا به سمت نمادهای بزرگ و بنیادی حرکت می‌کند. سهام معدنی نیز به دلیل شفافیت نسبی صورت‌های مالی، سابقه سودسازی و نقدشوندگی مناسب، یکی از نخستین گزینه‌های سرمایه‌گذاران محسوب می‌شوند.

این کارشناس بازار سرمایه تصریح کرد: البته نباید تصور کرد که رشد شاخص به تنهایی به معنای افزایش ارزش همه شرکت‌های معدنی است. عملکرد هر شرکت به عواملی مانند میزان تولید، صادرات، قیمت‌های جهانی، نرخ ارز، هزینه انرژی و سیاست‌های داخلی نیز وابسته است.

وی با اشاره به تأثیر بازارهای جهانی بر بورس ایران گفت: بخش عمده درآمد شرکت‌های معدنی و فلزی از صادرات

بورس؛ پلی میان سرمایه‌های خرد و پروژه‌های بزرگ معدنی

اما پس از بهره‌برداری می‌تواند سودآوری شرکت را به شکل قابل توجهی افزایش دهد. وی ادامه داد: البته سرمایه‌گذاران باید میان رشد واقعی ارزش شرکت‌ها و رشد ناشی از هیجانات بازار تفاوت قائل شوند. هرگونه افزایش قیمتی الزاماً به معنای بهبود عملکرد شرکت نیست و تحلیل صورت‌های مالی، میزان تولید و برنامه‌های توسعه‌ای همچنان اهمیت بالایی دارد. این کارشناس بازار سرمایه درباره الزامات تداوم ورود سرمایه به سهام معدنی اظهار کرد: مهم‌ترین عامل برای جذب سرمایه، شفافیت اطلاعات است. سرمایه‌گذار زمانی حاضر به سرمایه‌گذاری بلندمدت خواهد شد که بتواند اطلاعات دقیق و قابل اتکایی از عملکرد شرکت‌ها در اختیار داشته باشد.

وی افزود: انتشار منظم گزارش‌های تولید، ارائه برنامه‌های توسعه، شفافیت در هزینه‌ها و سودآوری و اطلاع‌رسانی درباره پروژه‌های جدید، می‌تواند اعتماد بازار را افزایش دهد. هرچه سطح شفافیت بیشتر باشد، هزینه تامین مالی شرکت‌ها نیز کاهش پیدا خواهد کرد. آرش محمدی تصریح کرد: در کنار شفافیت، ثبات در سیاست‌ها، نیازمند نیز اهمیت زیادی دارد. تصمیمات ناگهانی در حوزه صادرات، قیمت‌گذاری یا حقوق دولتی معادن می‌تواند بر تحلیل سرمایه‌گذاران اثر منفی بگذارد و روند جذب سرمایه را با چالش مواجه کند.

نقش بورس در تکمیل زنجیره ارزش

وی درباره تأثیر رونق بازار سرمایه بر صنایع پایین‌دستی گفت: رشد سهام شرکت‌های معدنی تنها به نفع معادن نیست، بلکه می‌تواند زمینه توسعه صنایع فرآوری، فولاد، مس، آلومینیوم و سایر بخش‌های وابسته را نیز فراهم کند. هرچه سرمایه بیشتری وارد این زنجیره شود، امکان ایجاد ارزش افزوده بالاتر و کاهش خام‌فروشی نیز افزایش خواهد یافت.

سهام معدنی؛ فراتر از نوسانات روزانه

وی با اشاره به ویژگی‌های شرکت‌های معدنی حاضر در بورس گفت: یکی از مزیت‌های مهم این شرکت‌ها آن است که ارزش آنها صرفاً به سود سالانه وابسته نیست، بلکه حجم معدنی، ظرفیت توسعه، طرح‌های در دست اجرا و جایگاه آنها در زنجیره تولید نیز بر ارزش‌گذاری سهام اثرگذار است.

آرش محمدی افزود: به همین دلیل، سرمایه‌گذاران حرفه‌ای معمولاً شرکت‌های معدنی را با دیدگاه بلندمدت ارزیابی می‌کنند. پروژه‌های توسعه‌ای در این صنعت ممکن است چند سال زمان ببرد،



خرید ماشین‌آلات و احداث واحدهای فرآوری نیازمند سرمایه‌گذاری‌های سنگین است و بازار سرمایه می‌تواند بخشی از این منابع را تأمین کند. وی ادامه داد: هرچه ارزش بازار شرکت‌های معدنی افزایش یابد، امکان جذب منابع مالی برای اجرای پروژه‌های توسعه‌ای نیز بیشتر خواهد شد. این مسئله علاوه بر افزایش ظرفیت تولید، به ایجاد اشتغال، رشد صادرات و افزایش درآمدهای ارزی کشور کمک می‌کند.

مقدم افزود: در بسیاری از کشورهای معدنی، بازار سرمایه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تامین مالی پروژه‌های بزرگ محسوب می‌شود و ایران نیز می‌تواند از این ظرفیت استفاده بیشتری داشته باشد.

چشم‌انداز سهام معدنی

این کارشناس بازار سرمایه درباره آینده سهام معدنی اظهار کرد: اگر ثبات اقتصادی، رشد تولید، توسعه صادرات و بهبود شرایط کسب‌وکار ادامه پیدا کند، چشم‌انداز میان‌مدت شرکت‌های معدنی همچنان مثبت خواهد بود. این شرکت‌ها از مزیت‌هایی مانند ذخایر غنی، بازار صادراتی، نیروی انسانی متخصص و ظرفیت توسعه برخوردارند.

وی افزود: البته در کنار فرصت‌ها، چالش‌هایی مانند تأمین انرژی، هزینه‌های حمل‌ونقل، نوسانات قیمت جهانی و تغییرات مقررات نیز وجود دارد که نباید از آنها غافل شد. سیاست‌گذاری پایدار و حمایت می‌تواند نقش مهمی در حفظ روند سودآوری این شرکت‌ها داشته باشد.

مقدم در پایان اظهار کرد: رشد بورس زمانی پایدار خواهد بود که بر پایه رشد واقعی اقتصاد شکل بگیرد. شرکت‌های معدنی به دلیل جایگاه راهبردی خود می‌توانند یکی از مهم‌ترین پیشران‌های این روند باشند، اما تداوم این مسیر مستلزم افزایش سرمایه‌گذاری، توسعه اکتشاف، تکمیل زنجیره ارزش و ثبات در سیاست‌های اقتصادی است. هرچه پیوند میان بازار سرمایه و بخش معدن عمیق‌تر شود، امکان تامین مالی پروژه‌های توسعه‌ای و افزایش سهم این بخش در رشد اقتصادی کشور نیز بیشتر خواهد شد.



وی ادامه داد: امروز رقابت جهانی تنها بر سر استخراج مواد معدنی نیست، بلکه کشورهایی موفق‌تر هستند که بتوانند زنجیره ارزش را تکمیل کنند. بازار سرمایه می‌تواند منابع مالی مورد نیاز این تحول را فراهم کند و به توسعه صنایع پایین‌دستی سرعت ببخشد.

آرش محمدی با تأکید بر اینکه رشد بازار سرمایه نباید از واقعیت‌های اقتصادی فاصله بگیرد، اظهار کرد: اگر افزایش ارزش سهام همزمان با رشد تولید، توسعه صادرات، افزایش بهره‌وری و اجرای پروژه‌های جدید باشد، می‌توان انتظار داشت این روند پایدار باقی بماند. اما اگر داشت. وی افزود: خوشبختانه بخش معدن از جمله صنایعی است که ظرفیت‌های واقعی برای توسعه دارد. ذخایر غنی، پروژه‌های نیمه‌تمام، نیاز جهانی به مواد معدنی و امکان توسعه صنایع پایین‌دستی، همگی عواملی هستند که می‌توانند پشتوانه رشد بنیادی شرکت‌های معدنی باشند. این کارشناس بازار سرمایه در پایان اظهار کرد: رونق بورس را نباید صرفاً از زاویه افزایش شاخص‌ها نگاه کرد. موفقیت واقعی زمانی حاصل می‌شود که بازار سرمایه بتواند سرمایه‌های خرد را به سمت پروژه‌های مولد هدایت کند. اگر این ارتباط میان بورس و بخش معدن تقویت شود، شرکت‌های معدنی منابع بیشتری برای توسعه خواهند داشت، تولید افزایش می‌یابد، اشتغال تقویت می‌شود و در نهایت اقتصاد کشور نیز از منافع آن بهره‌مند خواهد شد. بازار سرمایه و معدن می‌توانند مکمل یکدیگر باشند؛ یکی سرمایه را تأمین کند و دیگری آن را به تولید، ارزش افزوده و رشد اقتصادی تبدیل کند.

سخن پایانی

رشد بورس را می‌توان فرصتی مهم برای تقویت بخش معدن و صنایع معدنی دانست، اما بهره‌برداری از این فرصت تنها در سایه رشد واقعی تولید و توسعه سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر خواهد بود. شرکت‌های معدنی به دلیل برخوردار از ذخایر ارزشمند، ظرفیت صادراتی و نقش پررنگ در اقتصاد کشور، می‌توانند از مهم‌ترین پیشران‌های بازار سرمایه باشند. مشروط بر آنکه ثبات در سیاست‌گذاری، شفافیت اطلاعات و حمایت از طرح‌های توسعه‌ای تداوم داشته باشد.

کارشناسان معتقدند هرچه ارتباط میان بازار سرمایه و بخش معدن عمیق‌تر شود، امکان تأمین مالی پروژه‌های اکتشافی، توسعه معادن، تکمیل زنجیره ارزش و افزایش بهره‌وری نیز بیشتر خواهد شد. در چنین شرایطی، رونق بورس دیگر صرفاً به معنای رشد شاخص‌ها نخواهد بود، بلکه به ابزاری برای هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید، افزایش اشتغال و تقویت اقتصاد ملی تبدیل می‌شود. از این رو، بود‌افزایی میان بازار سرمایه و صنایع معدنی می‌تواند زمینه‌ساز رشد پایدار و خلق ارزش افزوده بیشتر برای اقتصاد کشور باشد.